

مطالعه تطبیقی در امر خصوصی سازی

خصوصی سازی، روندی مستلزم بازنگری

قسمت دوم

از: مهندس علی رهبر



تجربه مخالفی را بیازماید. وحدت نظروقبول این اقدام در کشور بویژه در امر مدیریت بسیار مشکل و دشوار خواهد بود.

— دوباره آلمان مثل دو برادر کوچک و بزرگ از یک خانواده، یکی ثروتمند و صاحب تکنولوژی و نام آور، دیگری بصورت برادری منفعل از گذشته و تجربیات ناموفق، در نتیجه الگوی قالب و سازمان یافته بسرعت سازماندهی خود و جرح حمایتی خود را با همه امکانات بروی بخش ناموفق گسترانیده است.

در کشور ما چنین الگوی دست بنقد و باری دهنده مطلقاً وجود ندارد.

۱-۲- وجوه افتراق آزادسازی اقتصادی در ایران و آلمان

— در آلمان دو دولت و دو ملت درهم ادغام شدند. دولت موفق و دولت ناموفق، ملتی با درآمد سرانه بالاتر از ۲۱۰۰۰ دلار در سال و ملتی با درآمد سرانه پائین تر از ۹۰۰۰ دلار. بنابراین بخش ضعیف تر بعنوان یک بخش منفعل و دنبال روبه کمال، نظرات و مدیریت بخش غربی و سازماندهی و مدیریت غربی را پذیرا است.

در کشور ما یک ملت تجربه تمرکز را با موفقیتی — ناچیز آزموده است و پس از قریب ده سال می خواهد

۲- روند خصوصی سازی در ایران

با بررسی اجمالی از روند خصوصی سازی در آلمان به اصل موضوع مقاله یعنی داستان خصوصی سازی در کشورمان برمی گردیم. کشوری که در سال ۱۳۵۷ انقلاب کرد، میانی عمدتاً اقتصادی/ اجتماعی قدیمی را در هم ریخت و روشهای حاکمیت متمرکز، بویژه در امور اجرایی و تولیدی را در قالب مدیریت های دولتی پیش گرفت. در این رابطه بی مناسبت نیست که وجوه افتراق امر خصوصی سازی را که فقط چند سالی است بصورت جدی در بخش اقتصادی کشور به اجرا در آمده است ارزیابی کنیم.

نظام آلمان در کنار نظام بین‌المللی و بعنوان یک شریک همپراز و همراه‌ودارای مشکل در حال توسعه است .

کشور ما در تقابل با نظام فکری، عقیدتی و سیاسی جهان و بعنوان یک رقیب خطر آفرین لازم است علاوه بر حل مسائل داخلی، رویدادها و مسائل و مشکلات جهانی را هم که اغلب از لحاظ اقتصادی و سیاسی بر علیه و خلاف منابع ملی است در توجه داشته باشد .

خصوصی سازی بخش شرقی آلمان منگی بر همه امکانات مالی، تکنولوژیکی و مدیریتی بین‌المللی سازماندهی شده است .

در خصوصی سازی کشورمان نتوان‌های ضعیف، متزلزل و سازمان نیافته مالی، تکنولوژیکی و مدیریتی داخلی ما مورس‌مانده‌هی. امر خصوصی سازی است . نظام بازار پول و سرمایه آلمان و نظام بانکی آن مقتدر، مستقل و معتقد به خصوصی سازی، در خدمت خصوصی سازی و متکی بر نظام جهانی پول و بانک و بورس بین‌المللی است .

نظام بازار پول و سرمایه ایران دولتی، دستوری و متکی بر بازارهای پولی و مالی صرفاً داخلی و بورس داخلی است .

در نظام اجتماعی/اقتصادی/سیاسی آلمان برخورد روشن و روش شناسی علمی بعنوان عنصر حاکم در همه امور از جمله مور حکومتی مستقر است . بنابراین محض برخورد با مسائل و مشکلات جدی و جدید با برخورد علمی و تحلیل درست اقدامات مناسب، سریع و قاطع ارائه می‌شود .

در کشور ما هنوز نسبت به امور مدیریتی بشیوه سنتی و غیر تخصصی برخورد می‌شود و روشهای آزمایش و خطا، آنهم بشیوه تصمیم‌گیری فردی و غیر علمی و طبقه بندی نشده در حل مسائل اقدام می‌شود . لاجرم علاوه بر فقدان قاطعیت در تصمیم‌گیریها بعلت طولانی شدن زمان وقوع مشکل تا زمان تصمیم‌گیری راه‌حل‌ها اغلب بموقع نیست و اثر بخشی آنها بسیار کم و یا منفی است .

باتوجه به شکست کامل ایدئولوژی حاکم و نتایج اقتصادی و اجتماعی این تجربه در ازمدت در بخش

شرقی و موفقیت لاقابل اقتصادی و رفاهی بخش غربی، اختلاف نظرهای عقیدتی در آلمان وجود فعال و تعیین کننده ندارد و اقدام آزاد سازی اقتصادی از طرف دولت و ملت آلمان با قاطعیت امر پذیرفته شده و عزم ملی در پی تحقق هر چه سریعتر آن است .

در کشور ما هنوز بحث‌های سیاسی بر سر روشهای مجاز فعالیت‌های اقتصادی مثل نوع و میزان سرمایه، حد و حدود و روشهای توزیع سرمایه، نوع و میزان رابطه با خارج و سرمایه‌های خارجی، ارزش یا ضد ارزش بودن سرمایه و سرمایه‌دار، نحوه بهره‌برداری از سرمایه، مسئولیت و نحوه تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی در رابطه با سرمایه، منابع توسعه و محرومیت زدائی وحد و مسئولیت‌های سرمایه در آن، شیوه‌های توسعه و محرومیت زدائی و توسعه رفاه اجتماعی و سایر مقوله‌های اقتصادی/اجتماعی نظیر در هاله‌های از ابهام و مسائل تعریف نشده قرار گرفته است .

تردید و ابهام و نداشتن الگوهای واقعی و در دسترس و عملی بحدی است که بسیاری از مسئولین موضع و تعاریف متناقض و مغشوشی را در زمانهای مختلف ارائه می‌کنند .

در آلمان برنامه ریزی و سازماندهی عنصر اصلی و اولین قدم برای هر اقدام و فعالیتی است در کشور ما اقدامات برنامه ریزی نشده است و روزمرگی وجه غالب اکثر فعالیت‌های حکومتی ما را تشکیل می‌دهد بهمین علت محیط فعالیت‌های اقتصادی را بی ثبات، متزلزل و ناامن ساخته است .

ترکیب جمعیتی کشور ما بارشدهی بیش از ۳ درصد در سال، امید بهد و برابر شدن جمعیت را در بیست سال آینده وعده می‌دهد .

نیمه فقیر آلمان رشد جمعیت منفی ۵/۰٪ را نشان می‌دهد، این بدان معنی است که در کشور ما رشد اقتصادی تا ۱۲٪ در سال در مقابل بیش از سی میلیون جمعیت زیر بیست سال فقط قادر است سطح موجود اقتصادی و درآمد سرانه جاری را حفظ کند و هر رشدی کمتر از آن در جهت منفی شدن خواهد بود. در حالیکه در کشور آلمان شرقی سابق مطلقاً "مشکل" جمعیت و ترکیب عوامل جمعیتی وجود ندارد .

۲-۱-۱- وجوه افتراقی دیدگاه امر خصوصی سازی در دو کشور

ارزیابی دیدگاه‌های حاکم بر امر خصوصی سازی در دو کشور مشاهدات زیر برانشان می‌دهد :

- در کشور ما دیدگاه حاکم، فروش بیت المال است، لاجرم حساسیت بر یافتن قیمت منصفانه بر مبنای فرضیات شبیه کارشناسی و کسب حداکثر درآمد برای خزانه است. در آلمان نه تنها کلیه درآمدها مصروف بازسازی ساختارهای زیربنایی، مالی و عمومی اقتصاد و تولید منطقه خواهد شد، بلکه دولت طی ده سال بیش از چهارصد میلیارد مارک از محل سایر منابع برای رسیدن به اهداف توسعه ای سرمایه‌گذاری خواهد کرد .

- در کشور ما پیدا کردن مشتری خوب ملاک است. در آلمان پیدا کردن برنامه و مدیریت خوب، کارآمد و با کفایت بعنوان هدف دنبال می‌شود. (شدن بجای خریدن)

- در ایران اولین محور در امر خصوصی سازی توسعه عدالت اجتماعی است. در آلمان قائل شدن بودن به همزمانی عدالت اجتماعی و توسعه آن وجود ندارد و دیدگاه اصلی دستیابی به رشد و توسعه سریع اقتصادی است. بنابراین صلاحیت مشتری و امکان پذیری پیشنهادات ملاک قرار می‌گیرد .

- در کشور ما حفظ کوتاه مدت اشتغال و منافع گروه کار، بهر قیمت و تحت هر شرایط اصل در جریسان خصوصی سازی است. لذا اصلاح ساختار و بهره‌وری و کیفیت در این روند امکان‌پذیری خود را از دست می‌دهد. کشور آلمان اصلاح ساختار کار و نیروی کارگری و مدیریتی را بعنوان محور اصلی خصوصی سازی می‌شناسد، بدیهی است در کوتاه مدت برای مقابله با افزایش بیکاری و حفظ حقوق نیروی کار در دوره انتقال برنامه ریزی کرده است. (بموجب آخرین آمار اعلام شده نرخ بیکاری در نیمه غربی آلمان در سال ۱۹۹۳ برابر ۱۱/۸۱ میلیون نفر معادل ۵/۹٪ و در نیمه شرقی آلمان برابر ۱۱۷ میلیون نفر و معادل ۱۵/۴٪ است.)

در آلمان دولت خود را مسئول تأمین هزینه های بیکاری دوران انتقال و تأمین نیازهای افراد غیر شاغل می‌داند. در کشور ما فرض بر تأمین این هزینه‌ها از محل سرمایه‌ها و منابع سرمایه گذار قرار دارد.

در کشور آلمان بازار پول و سرمایه نظام بانکی، علاوه بر حفظ کامل شخصیت مستقل حقوقی، در نقش تأمین کننده منابع مالی برای مشتری و سوق دادن سرمایه‌های داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری و حتی ایجاد بدهی دراز مدت از محل منابع درآمدی آتیه مشتری و توسعه فرهنگ ریسک برای سرمایه گذاری، بسیج ملی شده است. در کشور ما، سرمایه‌گذار و ریسک‌پذیر اصلی بانکها هستند و نقدینگی جامعه بعنوان عناصر سپرده گذار و سود بگیر نقش موقت در سرمایه گذاری، آنهم بصورت غیر مستقیم و غیر فعال دارد. زیرا کارگزار اصلی بورس و تصمیم گیری در سهام بانکها هستند.

۲-۲- وجوه اشتراک جایگاه آزادسازی اقتصادی در ایران و آلمان

در هر دو اقتصاد بخش عظیمی از سرمایه‌ها عم از منابع، کارخانجات بعنوان مایلک عمومی وجود دارد که باید امر آزادسازی اقتصادی و ورود به بازار آزاد را تجربه کند.

در هر دو کشور امر آزادسازی حداقل در کوتاه مدت امکان ایجاد اشتغال جدید را کاهش می‌دهد.

منتهی در آلمان بازسازی و اشتغال مجدد سریعاً محتمل است. در حالی که در کشور ما اشتغال بعنوان وجه نگران کننده اجتماعی / اقتصادی چهارمینامید.

در هر دو کشور بخش خصوصی مستقل و با فرهنگ اقتصادی مستقر موجود است.

۲-۳- چرا آزادسازی و

خصوصی سازی در ایران احتیاج به

بازنگری و تجدید نظر اساسی دارد

برای اینکه تحلیل درستی از روند خصوصی سازی و آزاد سازی در کشور ایران داشته باشیم. ابعاد و اجزای این حرکت را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۲-۳-۱- هدف گذاری

تقریباً " همه عواملی که در یک اقدام خصوصی سازی می‌تواند بعنوان هدف مطرح شود در اجزای هدف گذاری های خصوصی سازی ایران بعنوان اجزای محوری مطرح است. اهم این هدفها بشرح زیر هستند.

اهداف توزیع عادلانه ثروت. در قالب احساس حق و حقوق ویژه برای گروه‌های اجتماعی خاص مثلاً " کارگران مستقیم یا شاغلین مستقیم. در حالیکه در یک تفسیر وسیع تر اگر حقی مطرح است این حقوق متعلق به همه آحاد کشور است و به گروه خاصی تعلق ندارد.

اهداف تأمین اجتماعی، بنظر می‌رسد که وظیفه تأمین اجتماعی برای همه کارکنان صنعت صرفاً " بعهدده صاحب سرمایه صنعت است لذا قانون کار یکطرفه، عطف به ماسبق‌ها و شرایط نامشخص کاررومای کارگری، ورود و سهم برداری از صنایع و تولید را پر مخاطره و بار ریسک بسیار بالای اقتصادی نشان می‌دهد. در این زمینه قوانین مغایر اصل ۱۶۸ قانون اساسی بکرات تنفیذ شده است.

هدف گذاری شده است که تقریباً " همه سرمایه‌و توان کارشناسی از طریق بازار داخلی تأمین شود. در حالیکه قدرت تشکیل سرمایه اقتصاد کشور در حد ارزش گذاری موجود نیست.

برای سرمایه‌گذاری و جلب سرمایه‌های بین‌المللی جایگاهی پیش بینی نشده است. لذا امیدی برای انتقال و ارتقاء تکنولوژی، گشایش بازارهای مصرف جدید خارجی و سرمایه جدید، پیوند با بازارها و امکانات جهانی وجود ندارد. هدف گذاری ها عمدتاً " حول فروش و کسب درآمد برای خزانده رومی‌زند. هدفهای نظیر

بهبود امور زیربنائی، ارتقاء استانداردهای کیفیت و محیط زیست، ارتقاء تکنولوژی، بهره برداری از مدیریت کارآ، ایجاد بازارهای جدید و اشتغال جدید، افزایش کارآئی و بهره وری در اولویت های بسیار نازل قرار گرفته است.

۲-۳-۲- اشکالات سازماندهی

در سازماندهی روش اجرا نا پختگی های بسیاری بروز کرده است که اهم این تنگناها بقرار زیر است.

۲-۳-۲-۱- فقدان برنامه

علاوه بر هدفهای تعریف نشده با بتعارف کلی، مبهم و ناقص برنامه ریزی منسجم و واجد عوامل اصلی برنامه یعنی زمان، روش، عوامل اجرایی، سازمان اجرایی، دستورالعمل‌های اجرایی وظایف و اختیارات، سیستم نظارت و کنترل، ارزیابی و اصلاح در دست نیست.

در قالب الفاظ و دستورالعمل‌ها و حتی قوانین و اظهار نظرهای کلی و عام تقریباً " همه شیوه‌های کلی و عمدتاً " معطوف به عوامل سیاسی با پیامدهای کوتاه مدت و مقطعی مورد توجه قرار گرفته است.

در یک قالب منسجم معلوم نیست امر خصوصی سازی و آزاد سازی در چه دورهای با چه هزینه و فایده‌های و برای رسیدن به کدام هدفهای اقتصادی / اجتماعی معین و قابل اندازه گیری و برای واگذاری به چه گروه و طبقه با چه خصلت‌ها و مسئولیت‌هایی یا تعهداتی انجام می‌پذیرد.

۲-۳-۲-۲- فقدان سازمان اجرایی مناسب

برای اجرای برنامه، سازمان و دستگاهی سیستم اجرایی تعریف شد اما قائل نشده‌ایم. تقریباً " همانتهائی که مسئول بهره برداری و مدیریت اجرایی طرحها هستند بعنوان برنامه ریز، مسئول، نظارت کننده و مأمور ارزیابی گمارده شده‌اند. یعنی

سازمان گسترش، سازمان صنایع ملی، بانکها و سایر مسئولین که زمانی عهد مدارتوسعه دارها مرسوم اجرائی و حتی توسعه متمرکز و توجیه کنند مدولتسی کردن همما مور اقتصاد ی بودند امروز مسؤل بازار یابی و فروش اقتدارات خود هستند و حتی مسؤل هستند که نظام مدیریتی جدید را طراحی و اداره کنند با مضمونی دیگر از صاحبان جدید دولتی سرمایه توقع داریم حوزه اقتدار و اموال خود را مصادره کنند. این وظایف علاوه بر وظایف جاری مدیریتی آنها که خود جزء معضلات است می باشد .

بهمین علت است که روشهای اجرای مختلفی را توسط ارگانها و مدیریت های مختلف می بینیم .

۲-۳-۳- استفاده از روشها و ابزار مناسب

در شرایط بازار بسته و محدود اعتماد عمومی، شرایط نامساعد اقتصادی فعال کردن یک سیستم بسته بازار بورس به امید کشش بسیار عظیم سرمایه گذاری، برداشتی نامناسب و غیر علمی است. یک حساب سرانگشتی نشان می دهد که در ایران بازار سرمایه ای در این حجم وجود ندارد که در قالب سرمایه های کوچک قادر باشد سازماندهی مدیریتی مناسبی را بروز دهد که چنین حجم عظیمی از سرمایه را تا مین نماید .

در بازار ایران هنوز نهادها و تشکل های سرمایه گذاری و مدیریتی به این قابلیت نرسیده است که بتواند میلیونها بهم پراکنده را بصورت یک عزم یکپارچه برای اعمال مدیریت قابل سرمایه وارد عمل کند . در نتیجه تجربه شده که تا حد در صد سهام برخی از بنگاههای اقتصادی واگذار شده ولی صاحبان سرمایه برای تحویل گرفتن مدیریت و گذاردن حاکمیت و مدیریت سرمایه نتوانسته اند مجمع را به حد نصاب برسانند .

۲-۳-۳- سیاست گذاری

برای اجرای خصوصی سازی سیاست های

مشخصی ارائه نشده است . نتیجه اینکه در مواضع زیر سیاست های دولت نامشخص است .

۲-۳-۱- نامشخص بودن جایگاه سرمایه گذاری خارجی

سرمایه گذاری خارجی معلوم نیست که آیا جایگاه معینی در امر خصوصی سازی دارد یا خیر ؟ آیا می تواند یک سازمان سرمایه گذاری خارجی برای سرمایه گذاری یا خرید سهام در داخل کشور اقدام کند یا خیر . مسأله مالکیت خارجی بر سرمایه ، حقوق ناظر بر مارک های تجاری ، اختراع ، اکتشاف و سایر حقوق مانند حق رفت و آمد و ویزای کار و اقامت و فعالیت اقتصادی درجه قالب حقوقی پذیرفته شده قرار گرفته است ؟

پیشینه سؤال برانگیز فعالیت های اقتصادی در گذشته عمدتاً "سلطه جویانگه شده کمی توان آنرا ناشی از دوام و وابسته بودن و عدم تسلط و حسن نیت ملی زمامداران و سیاست مردان گذشته دانست . موضوع ارتباط تجاری مشارکتی و صنعتی با خارجی را مترادف با وابستگی ، غارت ، و انحراف دانسته . این باور بصورت یک امر بدیهی ، ذهنیتی بسیار محتاط و منفعل در جامعه ایجاد کرده است که مانع هرگونه برخورد سازنده ، عقلانی و بهره وری از امکانات موجود بازارهای جهانی شده است .

در تحلیل جهانی از بهره برداری عقلانی از سرمایه شاهد هستیم که طی سال جاری مسیحی ، بنا به اعلام رسمی مقامات چینی فقط معادل پنجاه میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به این کشور جذب شده است . اگر به کمیونیتی بودن چین و نظام حکومتی و تولید متمرکز آن توجه کنیم ابعاد سرمایه گذاری مذکور جالب و هيجان انگیز خواهد بود .

اگر به این نکته باور داشته باشیم که در شرایط کنونی مسئولین تصمیم گیر کشور علاوه بر درایت های لازم برخورد از تعهد و حسن نیت و تسلط کافی بر امور بین المللی بوده و کفایت لازم برای حفظ منافع

در از مدت کشور را دارند ، باید بمانند آنها اعتماد کرد که اقدامات مثبت را برای برخورداری و بهره برداری از امکانات سرمایه ای ، تکنولوژیکی و دسترسی به بازار جهانی را با تنظیم راه و روشهای مناسب و اعمال حاکمیت مقتدر و روشن بعمل آورند .

در این رابطه علاوه بر حجم و میزان سرمایه ، نقش مدیریت جدید و مهارت های ویژه نیروی انسانی و بالاخره تکنولوژی در ابعاد غیر مالمسوسی (Technoware-Human ware, Infoware) در دنیای امروز غیر قابل صرف نظر کردن است .

۲-۳-۲- بازار پول و سرمایه غیر فعال

تنظیم مناسب بازار پول و سرمایه ، در دنیای امروز امروز عنصر مهم و اساسی تنظیم فعالیت های اقتصادی است . روند حاضر این بازار و سیاستهایی که اغلب ، دولت برای حاکمیت این بازار اعمال می کنند ، چنان حساب شده و هماهنگ در سطح جهانی عمل می کنند که موضوع تعیین ترفهها و بهره بانکی بعنوان حساس ترین مبحث سیاسی بین دول بزرگ مورد مناقشه واقع می شود .

در شرایط رکود اقتصادی جهانی که سیاست بالاتفاق سیستم های بانکی ، پولی و مالی بر مبنای کاهش هزینه های بانکی و سود پس انداز قرار گرفته تا سرمایه ها با سرعت بیشتری در مجاری اقتصادی بچریان افتاد و سرمایه گذاری صنعتی و تولیدی در مقایسه با نقد یبگی از سود دهی بیشتری برخوردار شود . سیاست ما بر این استوار شده است که با افزایش هر چه بیشتر بهره پس اندازها و حتی معافیت مالیاتی برارث و انواع مشوق های دیگر (درست خلاف روشهای جاری در بازار پول و سرمایه بین المللی) میل به نقد یبگی و انباشت در حجابهای بانکی را بشدت افزایش دادیم . غافل از اینکه درست است با کند کردن گردش پول از تورم و سرعت رشد سرطانی آن تا اندازه ای کاسته می شود . ولی با

سوددهی کلان پس انداز، اولاً "هزینه‌های مالی سرمایه‌بشدت افزایش می‌یابد. ثانیاً "از فعالیت آزاد سرمایه‌ها صاحب سرمایه در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری صنعتی و ایجاد فرهنگ و عادت سرمایه‌گذاری صنعتی و ریسک‌پذیری جلوگیری می‌کنیم. لذا در حقیقت سرمایه‌گذاری صنعتی لازمه‌اش گذر از مجاری کارشناسی و مصلحت‌گرائی‌های بانکی خواهد بود که علاوه بر هزینه‌های بسیار بالا و ضعف‌های خاص مدیریت دولتی و بانکداری دولتی از مشارکت مستقیم و ابراز علاقه فردی تک صاحبان سرمایه در جبهه سرمایه‌گذاری‌های تولیدی همان‌ت عمل خواهد آمد. در چنین شرایطی تنها تصمیم‌گیر و ریسک‌پذیر سرمایه‌گذاری صنعتی دولت خواهد بود که خود را قانوناً "و شرعاً" حافظ سرمایه‌های انباشت مردم میدانند و با این فلسفه و ملاحظات، صرفاً "سرمایه‌داران ناله‌هایی به جریان می‌افتد که ماهیتاً نقش توسعه‌ای ندارد. یا بجهت صدور دستورالعمل‌های اداری و یاد در قالب قرارداد‌های بانکی پیچیده و غرق در بوروکراسی‌ها و پیچیدگی‌های اداری و کارشناسی وقت‌گیر و پرهزینه خواهد بود.

سیاست‌کنونی دولت و سیستم بانکی بعنوان کارگزار دولت در امور بازار پول و سرمایه به صورت واگذاری اعتبار به تولیدکننده (Supplier Credit) استوار است که این در شرایط رونق اقتصادی و بازار تضمین شده برای جهت دادن به سرمایه‌در تولید بسیار مفید است. اما در شرایط کنونی که در حقیقت باید بازار را بی‌مشتري یا بی‌شود و مشتري را باید آموزش داد تا عادت کند بعنوان شریک‌صنعت وارد بازار شود. خود تصمیم بگیرد. خود ریسک‌کنند و بالاخره خود بعنوان سرمایه‌دار صنعتی به اعمال حاکمیت و مدیریت سرمایه‌ها م کند تقریباً "روپیه معروف به" اعتبار برای مصرف‌کننده (Buyers Credit) که از نظام بانکی حذف شده است، یعنی در شرایط کنونی، با اینکه تقریباً "عمده مشتری و بایع بازار سهام و بورس بانکها هستند و با سرمایه مردم صد در صد ریسک سرمایه‌گذاری را تقبل

و تعهد کرده‌اند حاضر به مشارکت در بخشی از این ریسک نیستند و به عذر اینکه مسوول حفظ منافع مشتریان خود هستند و یاد حقیقت با ابراز عدم اعتماد به ماهیت و صلاحیت‌های مالی و کارشناسی مردم از قبول سهام بعنوان وثیقه و واگذاری و امه‌های ویژه برای خرید سهام کارخانجات و یا بنگاه‌های اقتصادی خودداری می‌کنند و با اصطلاح "سیاست انقباضی" خشک و انعطاف‌ناپذیر خود را بر بازار پول و سرمایه همچنان ادامه می‌دهند.

ادامه و تداوم این رویه در کل عواقب‌زیر بار بازار پول و سرمایه کشور ایجاد کرده است:

— انتقال هزینه مالی مستقیمی که در صورت گرفتن و امرار طریق مشتری بعنوان هزینه‌های سرمایه‌برداخت می‌شود، به ردیف هزینه‌های تولیدکننده و عبارت دیگر گره بخشی از شدت تورم در قالب تقاضا کاسته می‌شود، هزینه مستقیم مالی را "در تولید و سرمایه‌گذاری بخشی از ارقام تورم (رشد قیمت) را تشکیل می‌دهد.

— رکود بازار خرید و فروش محصول بعلت از جریان افتادن سرمایه و میل به کنز و انباشت در حسابهای پس انداز، در نتیجه بی‌مشتري شدن تولیدکنندگان و کم بازده شدن و حتی ضرر و زیان در امر تولید.

— خروج سرمایه‌گذار مستقیم بویژه توده مردم با سرمایه‌های کم و متوسط از بازارهای خرید و فروش سهام. عدم توسعه فرهنگ سرمایه‌گذاری صنعتی بعلت عدم بازده مالی سهام صنعتی و دور شدن سرمایه‌داران از فعالیت‌های مستقیم در بازار سهام، و گذاری مسئولیت توسعه به کارشناسی بانکها، نه مردم.

— جریان یافتن سرمایه‌های انباشت بانکها در کانالها و مجاری خاصی که ماهیت توسعه‌ای بویژه

صنعتی و صادراتی ندارد و بعلت دولتی بودن بانکها، واگذاری و امه‌ها بجهت مصلحت‌گرائی‌های اداری و نواقص اقتصادی.

— راکد شدن بخش عمده از توان سرمایه‌ای کشور و رکود نسبی فعالیت‌های اعتباری و در نتیجه کاهش شدید رونق اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی.

— سرمایه‌گذاری‌های غیر مسوولانه توسط بانکها که در درازمدت به پیچیدگی‌ها و ثمر مثبت در توسعه ندارد بعلت مدیریت‌های دولتی با ماهیت خاص و کمبودهای ویژه این نوع از تصدی. یا جا بجا شدن مدیریت دولتی.

— جمع‌آوری نقدینگی موجود جامعه در قالب سپرده‌ها، که طبقاً "حالت استقراض دارد، یعنی جلوگیری موقت از جریان نقدینگی بعبارت بهتر سپرده‌گذار در هر زمان که اراده کند از سپرده خود برای خرید یعنی خارج کردن نقدینگی از مسیر سرمایه‌گذاری اقدام خواهد کرد. یعنی اثر ضد تورمی موقتی است. در حالیکه با پرداخت وام خرید سهام سرمایه‌های و کالای سرمایه‌های علاوه بر جذب تمام دارائی نقدی می‌تواند و امه‌ها را حتی برای چند نسل به‌هنگار کرد.

بنحوی که برای درآمد‌های آتی نیز بخشی به امر سرمایه‌گذاری صنعتی و نه مصرف اختصاص اجباری پیدا کند. نتیجتاً باینکه نسبت سرمایه‌گذاری به پس انداز در جامعه افزایش خواهد یافت.

۲-۳-۲-۳- نظام قانونگذاری و

نقش آن در تشکیل سرمایه مردمی

در امر سیاست‌گذاری، برخورد نظام قانونگذاری کشور بصورت مستقیم، مقتدر و هدف‌دار الزامی است. وجود مختلف سیاست‌های کشور برای سوق دادن سرمایه‌های داخلی و خارجی در امر سرمایه‌گذاری و

مشارکت برای عهده‌مدار شدن وظایف اداره و توسعه واحدهای موجود نزد دولت باید بقدری صریح و واضح باشد که اعمال اغراض شخصی و گروهی در آن غیرممکن باشد. قانونگذار باید در قالب تدوین و نشر قوانین بسوءالات زیر پاسخ دهد.

— آیا هدف دولت از واگذاری سهام به مردم، فقط جمع‌آوری اندوخته‌های مردم است یا هدف واگذاری اختیارات اداره و مداخله در این اموال را هم می‌خواهد و اگر کند؟

— حدود و ضوابط مداخله غیر صاحب سرمایه در روند تصمیم‌گیریها تا کجا است؟

— وظایف خریدار سرمایه‌های دولتی تا کجا محدود می‌شود. در قبال ادعاها و بدهیهای غیر ناشی از فعالیت‌های خریدار چه کسی مسوئال است؟

— هدف دولت از واگذاری تا چه اندازه به توسعه مدیریت و توان تکنولوژیکی و مدیریتی خریدار بستگی دارد؟

— چه کسی مسوئله نهائی و قطعی واگذاری است؟

— اصلاح ساختار نیروی انسانی واحدهای واگذار شده تا چه حد و در چه دوره‌ای امکان پذیر است و هزینه‌های این اصلاح محدود و بی‌محدود است؟

— روابط و ضوابط واگذاری، سایر دستگاها را در رابطه با خریدار به چه شرایطی موظف می‌کند؟ مثلاً "اگر تنها تأمین کنند مواد اولیه این واحد را و محدود دیگری نیستی است و باید در مقابل اعمال حاکمیت سازمان حفاظت محیط زیست که اغلب در مقابل واحدهای دولتی گذشت، مداخلات و سکوت می‌کند، پس از واگذاری چه برخوردی با خریدار خواهند داشت، اگر در تأمین مواد، قیمت‌گذاری و سایر مداخله‌تغییر رویه بضرر خریدار دادند چه حمایت‌هایی ارائه می‌شود؟

— مراتب اولویت‌ها با گروه‌های مختلف اجتماعی و اقشار مختلف مردم در قبال خرید سهام ارائه حمایت‌ها و حتی کفکهای مادی و وامی و حتی جنسی تابع چه ضوابط و مقرراتی است؟

— قانون چه حمایت‌های سوبسیدی و مالیاتی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری صنعتی، بازسازی ساختار نیروی انسانی، افزایش راندمان و کاهش

ضایعات و ارتقاء بهره‌وری و کیفیت و بازسازی و نوسازی، افزایش صادرات، اجرای برنامه‌های توسعه زیربنائی و بهبود استانداردهای زیست محیطی برقرار می‌کند؟

— جوابگوی مدعیان مالی و حقوقی نسبت به اصل سرمایه و یا هزینه‌هایی که بعداً ایجاد می‌گردد چه کسی است؟

— حدود قابل قبول خطا، اشتباه در محاسبه یا کارشناسی بسوءالین واگذاری چه میزان است؟

— اصلاً قطعیت معامله در چه زمانی مسجل است. آیا ایالتی الابد هر مقامی می‌تواند مسوئله نهائی یا خریداران را مورد مواخذه حقوقی و مالی قرار دهد یا خیر؟

— سیستم تعرفه‌های تولید در صادرات و واردات تحت پوشش چه سیاست‌های حمایتی تنظیم می‌شود. در درآمدت این سیاست‌ها تابع چه الگوئی خواهد بود؟

— مالکیت‌های بر سهام و سرمایه‌های صنعتی چه پوشش‌های حمایتی خواهد داشت. در مقابل قدرت‌ها و اختیارات قانونی شهرداریها، ارگانها و سازمانهای دولتی و اعمال حاکمیت‌ها و عطف به ماسبق‌ها، بیمه، مالیات، استاندارد و تنقیح قوانین و مقرراتی که بار مالی جدید ایجاد می‌کند خریدار چه الگوئی را باید تصور کند و چه میزان ریسک پیش‌بینی نماید؟

— مالکیت فردی تا چه میزان مجاز است، الگو و ضوابط واردات و صادرات، معاملات خارجی، انتقال تکنولوژی، استخدام عوامل برون مرزی، بیمه، مالیات، حمل و نقل، گمرکی، مشارکت خارجی، جلب و جذب سرمایه‌های خارجی، معاهدات بین‌المللی بازرگانی تابع چه سیاست‌های بلندمدتی است؟

— جایگاه تأمین اجتماعی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، روابط منطقی کار، محرومیت‌زدائی در امر تولید کجا است و مسئولیت‌های صنعت و تولید در این زمینه‌ها به کجا محدود می‌شود؟

— مسوئله‌های نیروی کار در مقابل مسائل ایمنی

کار، ایمنی محیط زیست، راندمان، بهره‌وری ایجاد ضایعات، بهبود کیفیت، نگهداشت سطح تابعیت از ضوابط و مقررات تولید، رعایت مقررات استاندارد، نگهداری وسائل تولید چگونه است و در صورت بروز خلاف و اختلاف چه کسی و به چه صورت از منافع ملی و در نهایت از منافع سرمایه دفاع می‌کند و روابط منعطفانه را تنظیم و نظارت مینماید، ضوابط و مقررات و روشهای حاکم بر این موارد کدام است؟

پی‌نوشت:

FDI=foreign Direct Investment.